

بسم الله لرحمن الرحيم

پشت پرده استعفای حریری



(ترجمه)

سعد حریری نخست وزیر لبنان، روز شنبه ۴ نومبر ۲۰۱۷م، به گونه‌ی ناگهانی از سمتش استعفاء داد. حریری، که در اثنای سفرش به عربستان سعودی، ایران و حزبش (حزب الله لبنان) را مورد حمله قرار داده، خاطرنشان کرد، که علت استعفای آن توطئه‌ی ایران و حزبش برای ترور او بوده است. این استعفاء بدون کدام پیش‌زمینه صورت گرفت، در حالی که فضای سیاسی داخلی در لبنان با هماهنگی کامل و وفق مراد طرف‌های رقیب در آن‌جا قرار داشت؛ چنان‌چه حریری یک هفته پیش از استعفای خود حکم انتصاب سفیر لبنان را در دمشق به امضاء رساند. این بدان معنی است که استعفای وی از اراده‌اش نشأت نگرفته؛ بلکه بعد از خواسته شدن به دربار پادشاهی سعودی، از لزوم استعفای خویش آگاهی پیدا می‌کند.

استعفای حریری به منزله‌ی کودتا علیه توافقی و فیصله‌ی سال گذشته محسوب می‌شود، حل و فصلی که منجر به اتحاد لبنان و انتخاب میشل عون متحد حزب ایران به حیث رئیس جمهور گردید. هم‌چنان این حل و فصل که پیش‌نویس آن توسط امریکا در دوره‌ی اخیر او با ترتیب شده بود، به دلیل شرایط بین‌المللی و اوضاع جاری منطقه، به خصوص اوضاع سوریه به سرعت تصویب شد؛ عملی که باعث کمک به هم‌پیمانی با نظام سوریه عنوان شد و از طرفی به طور فزاینده‌یی به محبوبیت مردمی ضربه زد.

حریری و اطرافیانش برای بازیابی محبوبیت مردمی خویش به انجام اعمال سیاسی زیاد روی آوردند؛ اما هیچ یک از آن‌ها خالی گاه‌شان را پر نکرده؛ بلکه اوضاع را وخیم تر کرد. بنابر لازم بود که حریری و اطرافیانش یک بار دیگر برای ساختن جو سیاسی برای خود

دست بکار شوند؛ لذا خواستند به وسیله‌ی این استعفاء مسلمانان مخلصی را که به یاری انقلاب شام شتافته بودند، از دست نداده و آن‌ها را در سمت و سوی اراده‌ی سعودی، که در پشت سر آن امریکا قرار دارد، نگهدارند.

پس از آن‌که اداره امریکا تغییر کرد، به نظر می‌رسید که رویکردش نسبت به اوضاع سوریه نیز تغییر می‌کند؛ ولی اداره‌ی ترامپ و حزب جمهوری‌خواه بر خلاف اداره‌ی اوباما ظاهراً به چهره‌ی خصمانه به سمت ایران می‌بیند، در حالی‌که بهترین هم‌پیمان پشت پرده ایران می‌باشد. از طرفی دیگر، امریکا از تلاش‌های مشترک ترکیه و روسیه در اجرای "سیاست مهار انقلاب شام" از طریق طرح ایجاد "مناطق کاهش تنش" بهره می‌برد. هم‌چنان اعتماد سابق امریکا را نسبت به ایران و حزب‌اش به این مسئله‌ی لازم، به بازنگری تبدیل نموده است؛ چنان‌چه ترامپ امضای توافق هسته‌ای با ایران را رد و انتقال آن را به کنگره‌ی امریکا مطرح می‌کند، این بدان معنی است که ترامپ در جهت مخالف اداره‌ی پیش از خود قرار دارد؛ اداره‌ی که قرار توافق هسته‌ای ایران را امضاء و دست ایران را در منطقه به گونه‌ی باز کرده بود که ایران به حیث تکیه‌گاه اساسی در جنگ امریکا علیه اسلام و مسلمین محسوب می‌شد؛ به ویژه در سوریه. بلی، استعفای حریری در ضمن چنین سیاقی صورت گرفت.

هم‌چنان دولت لبنان یک دولت از هم پاشیده و ضعیف می‌باشد. به دلیل ساختار فرقه‌ی داخلی لبنان، ممکن نیست که اداره‌ی آن را به دست یک جناح سپرد. در طول سال ۲۰۱۷م، دیدار مقامات امریکا و مداخله آن‌ها در سیاست داخلی لبنان برای دنبال کننده‌گان حوادث روشن بود. بدین اساس، امریکا به طور غیرمستقیم از طریق دولت‌های منطقه در لبنان مداخله و امور داخلی آن را مدیریت می‌نمود. علاوه برین، امریکا در دهه‌ی شصت بر همکاری‌های مصر به ریاست جمال عبدالناصر تکیه زد تا در دهه‌ی هفتاد بر لبنان مسلط شد و در سال ۱۹۸۹م، از طریق پیمان طائف-که عربستان سعودی به ریاست فهد بن عبدالعزیز بخشی از آن بود- دولت سوریه را در خدمت گرفت.

در این اواخر دید و بازدیدهای سیاست‌مداران لبنانی از عربستان سعودی و اظهارات مقام‌های امورخارج سعودی در مورد امور داخلی لبنان افزایش یافته است؛ هم‌چنان استعفای حریری نیز از طریق شبکه العربیه وابسته به سعودی، اعلام شد. از اینرو، محل اعلام استعفای حریری دال بر این است که امور داخلی لبنان در حال حاضر به دست سعودی به رهبری سلمان-که پشت سرش امریکا است- قرار دارد. از آغاز بحران لبنان سر و صداهای داخلی-که به خصوص در مورد وضعیت لیره‌ی لبنان- بالا گرفت، نگرانی‌های وجود دارد که عربستان سعودی از سلاح اقتصادی علیه لبنان استفاده کند و تهدیداتی که امور داخلی لبنان را به سمت فرمان‌برداری از دستوراتی جهت می‌دهد که بعداً خواهد آمد.

پس از این‌که سعد حریری استعفا‌ی خویش را می‌خواند، حسب اظهارات مقامات عربستان سعودی، دستگیری چندتن از شاهزادگان آل سعود؛ از جمله: دستگیری شاهزاده متعب بن عبدالله فرمانده گارد ملی عربستان به اتهام فساد اعلام و فرودگاه ملک خالد در ریاض توسط یک موشک بالستیک، که منبع آن یمن بود، هدف قرار می‌گیرد. به این معنی که زمان‌بندی استعفای حریری یک تصادف نبوده؛ بلکه زمان‌بندی استعفا حریری و زمان‌بندی سقوط موشک، پوششی برای دستگیری شاهزاده‌گان سعودی بود؛ اما

جالب‌تر از آن، استعفای حریری به شکلی بود که خود نشان دهنده‌ی ناپختگی فاحش در اجرای این برنامه به دلیل ضعف و عدم تجربه‌ی سیاسی اداره‌ی ترامپ، اداره‌ی ولیعهد محمد بن سلمان و شخص سعد حریری بود.

به طور خلاصه: استعفای سعد حریری از سمتش به دستور عربستان سعودی و در پشت آن امریکا به میان آمد؛ زیرا در قدم نخست می‌بایست از لحاظ سیاسی برای سعد حریری در داخل لبنان اعاده‌ی حیثیت می‌شد، ثانیاً مجدداً نقش ایران مطابق با منافع امریکا و شیوه مدیریت آن در خاورمیانه، بازنویسی می‌شد و در قدم سوم، می‌بایست سلطه‌ی عربستان سعودی بالای لبنان و اداره امور داخلی آن براساس منافع امریکا تحکیم می‌شد.

استعفای حریری بیان‌گر این است که دولت لبنان یک دولت فروپاشیده می‌باشد و در هم‌کوبیدن آن بسیار آسان بوده و فاقد کم‌ترین اراده‌ی سیاسی و استقلال داخلی است؛ زیرا غیر ممکن است که رژیم لبنان بتواند خود را از نفوذ غرب در ترکیب فعلی خویش نجات دهد؛ ترکیبی که همیشه مطابق با منافع امریکا باعث مداخله‌ی غرب به اداره‌ی امور داخلی لبنان می‌شود. این گیروبندهای لبنان هم‌چنان از اواخر خلافت عثمانی و دخالت فرانسه و انگلیس نیز ادامه دارد.

هم‌چنان از زمان گورو جنرال فرانسوی که در سال ۱۹۲۰م، لبنان را به عنوان لبنان کبیر اعلام نمود و اعلامیه موسوم به استقلال سال ۱۹۴۳م، لبنان به وسیله‌ی فشار انگلیس که بالای فرانسه اعلام گردید و بعد از این که امریکا وارث مناطق استعماری قدیم شد، مردم این کشور فقط بدبختی، تنگدستی، بی‌ثباتی و ناامنی چیز دیگری شامل حال‌شان نشد.

نویسنده: عبدالطیف داعوق

۱۱ ربیع الاول ۱۴۳۹ هـ.ق

۳۰ نومبر ۲۰۱۷ م